



دانشگاه تبریز
دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی
گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی

پایان‌نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

عنوان

**بررسی ترکیبات اسمی دو متن «دادستان مینوی خرد» و «گزیده‌های
زادسپرم»**

استاد راهنما

دکتر محمدحسن جلالیان چالشتری

استاد مشاور

دکتر چنگیز مولایی

پژوهشگر

ندا محتشمی

مرداد ماه ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به خانواده عزیزم به پاس
محبت‌های بی‌پایانشان

از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر جلالیان که با
شکیبایی و دقت فراوان مرا از دانش و راهنمایی‌های
مؤثر خود بهره‌مند نمودند، فروتنانه سپاسگزارم.
همچنین مراتب قدردانی خود را از استاد گرامی،
جناب آقای دکتر مولایی که در مقام استاد و مشاور،
آموزه‌های ارزشمندشان را در اختیار این جانب قرار
دادند، ابراز می‌دارم.

نام خانوادگی دانشجو: محتشمی	نام: ندا
عنوان پایان‌نامه/ رساله: بررسی ترکیبات اسمی دو متن «دادستان مینوی خرد» و «گزیده‌های زادسپرم»	
استاد راهنما: دکتر محمدحسن جلالیان چالشتری	
استاد مشاور: دکتر چنگیز مولایی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه: تبریز	
دانشکده: ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۹۰/۵/۳۱ تعداد صفحه: ۲۵۰	
کلیدواژه‌ها: پهلوی - ترکیبات اسمی - دادستان مینوی خرد - گزیده‌های زادسپرم	
<p>ترکیب یکی از سه شیوه ساخت واژگان و از مباحث مهم دستوری در زبان‌های ایرانی است. از میان زبانهای ایرانی تاکنون ترکیبات به صورت مستقل و جامع در سه زبان اوستایی، سغدی و فارسی دری، گاه بارها، بررسی و واکاوی شده‌اند اما این ساخت‌های واژگانی در زبان فارسی میانه که یکی از زایاترین زبان‌های ایرانی در تولید واژگان جدید است از تحقیقی جامع محروم مانده‌اند. لذا با توجه به انبوهی متون پهلوی، در این رساله دو متن به عنوان نمونه برای بررسی ترکیبات برگزیده شدند.</p> <p>مهمترین مطالعاتی که درباره ترکیبات زبان‌های هندوایرانی انجام گرفته‌است، پژوهش ویتنی (Whitney, 1879) و واکرنایگل (Wackernagel, 1905) در زمینه ترکیبات زبان سنسکرت و به تبع آن‌ها به ترتیب مطالعات جکسن (Jackson, 1892) و دوشن‌گیمن (Duchesne-Guillemin, 1936) در مورد کلمات مرکب زبان اوستایی است. اساس بررسی در این مطالعات شیوه دستورنویسان باستانی هند است.</p> <p>در بررسی‌های پراکنده‌ای که در زمینه ترکیبات زبان پهلوی صورت گرفته‌است اساس، اجزای تشکیل دهنده ترکیب بوده‌است. شیوه منتخب در رساله پیش رو مبتنی بر تقسیمات دستوریان هندی است، چه این شیوه در بین پژوهندگان زبان‌های ایرانی مرسوم‌تر و از یکپارچگی بیشتری برخوردار است. بدین معنا که در این شیوه ترکیبات بر اساس اینکه حاصل از با هم آیی اجزاء آنها چیست در دسته‌های مجزا قرار می‌گیرند.</p> <p>ترکیبات مورد بررسی در این رساله از دو متن «دادستان مینوی خرد» و «گزیده‌های زادسپرم» استخراج شده‌اند و پس از بررسی اشتقاقی و معنایی اجزاء ترکیب و در نظر گرفتن رابطه میان آن‌ها و همچنین مقوله دستوری حاصل از باهم آیی اجزاء به تعیین نوع ترکیب پرداخته شده‌است. پس از بررسی هر یک از ترکیبات موجود در دو متن برگزیده و دسته‌بندی موارد مشابه، فصلهای زیر برای این ترکیبات در نظر گرفته شد:</p> <p>۱) ترکیبات ملکی (۲) ترکیبات تعیینی (۳) ترکیبات با جزء اول غالب (۴) ترکیبات دوتایی (مزدوج) (۵) ترکیبات نحوی (۶) ترکیبات بازمانده از کلمات مرکب باستانی (۷) ترکیبات مشکوک. برای نشان دادن صحت تصمیمی که در مورد هر ترکیب اتخاذ شده شاهد یا شواهدی از دو متن نامبرده برای ترکیبات، به صورت آوانویسی و ترجمه، ارائه شده‌است. جهت سهولت یافتن ترکیبات موجود در رساله در انتهای کار نمایه‌ای شامل کلیه ترکیبات تعبیه شده‌است.</p>	

اختصارات

AiW	Bartholmae, Ch. 1904
MX	Dādestān ī Mēnōg ī xrad
Pref	the preface of “Dādestān ī Mēnōg ī xrad”
SED	Monier-Williams, 1984
Sog.D	Gharib, B. Sogdian Dictionary
WZ	Wizīdagīhā ī Zādespram

واژه یا عبارت افزوده شده به آوانویسی و یا ترجمه - توضیحات اشتقاق < > / ()

واژگان

واژه یا عبارت حذف شده از آوانویسی یا ترجمه { }

رجوع کنید ر.ک

مقایسه کنید قس

فهرست

- مقدمه..... ۱
- فصل اول: ترکیبات ملکی..... ۱۲
۱. ترکیباتی که جزء دوم آنها اسم است..... ۱۴
- ۱.۱. ترکیباتی که جزء اول آنها صفت است..... ۱۴
- ۱.۲. ترکیباتی که جزء اول آنها اسم است..... ۷۷
- ۱.۳. ترکیباتی که جزء اول آنها قید است..... ۱۰۹
- ۱.۴. ترکیباتی که جزء اول آنها عدد است..... ۱۱۳
- ۱.۵. ترکیباتی که جزء اول آنها ضمیر مشترک است..... ۱۲۱
۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت است..... ۱۲۴
- فصل دوم: ترکیبات تعینیه..... ۱۲۷
۱. ترکیبات وابسته..... ۱۳۰
- ۱.۱. ترکیباتی که جزء دوم آنها اسم است..... ۱۳۰
- ۱.۱.۱. ترکیباتی که جزء دوم آنها اسم ساده است..... ۱۳۰
- ۱.۱.۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها اسم معنا است..... ۱۳۶
- ۱.۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت است..... ۱۴۸
- ۱.۲.۱. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت بسیط است..... ۱۴۸
- ۱.۲.۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت مشتق از ماده فعل است..... ۱۵۳
- ۱.۲.۲.۱. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت فاعلی است..... ۱۵۳
- ۱.۲.۲.۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت مفعولی است..... ۱۵۵
- ۱.۲.۲.۳. ترکیباتی که جزء دوم آنها اسم عامل ساخته شده با پسوند -tar است..... ۱۶۱

مقدمه

۱۷۹.....	۳.۱. ترکیباتی که جزء دوم آنها مادهٔ مضارع فعل است (Synthetic).....
۱۷۹.....	۱.۳.۱. ترکیبات با معنای اسم عامل.....
۱۹۲.....	۲.۳.۱. ترکیبات با معنای اسم زمان.....
۱۹۴.....	۲. ترکیبات وصفی.....
۱۹۴.....	۱.۲. ترکیباتی که جزء اول آنها صفت است.....
۱۹۴.....	۱.۱.۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها اسم است.....
۲۰۲.....	۲.۱.۲. ترکیباتی که جزء دوم آنها صفت است.....
۲۰۳.....	۲.۲. ترکیباتی که جزء اول آنها اسم است.....
۲۰۵.....	۳.۲. ترکیباتی که جزء اول آنها عدد است.....
۲۰۸.....	فصل سوم: ترکیبات با جزء اول غالب.....
۲۰۹.....	ترکیباتی که جزء اول آنها حرف اضافهٔ pad است.....
۲۱۳.....	فصل چهارم: ترکیبات دوتایی.....
۲۱۴.....	۱. تکرار یک واژه.....
۲۱۴.....	۱.۱. تکرار اسم.....
۲۱۵.....	۲.۱. تکرار عدد.....
۲۱۶.....	۲. ترکیبات شامل دو اسم مجزا.....
۲۱۸.....	فصل پنجم: ترکیبات نحوی.....
۲۲۳.....	فصل ششم: ترکیبات بازمانده از کلمات مرگب باستانی.....
۲۲۶.....	فصل هفتم: ترکیبات مشکوک.....
۲۳۱.....	یادداشت.....
۲۳۷.....	نمایه.....
۲۴۸.....	منابع.....
۲۵۰.....	چکیدهٔ انگلیسی.....

ترکیبات در تمامی زبان‌های هندواروپایی از دیرباز تا به امروز کاربرد داشته‌اند. در میان اسنادی که از این زبان‌ها برجای مانده‌است، موارد بسیاری از کلمات مرکب به چشم می‌خورند که بیشتر کاربرد رسمی، مذهبی و شاعرانه داشته‌اند. شاید بتوان دلیل شکل‌گیری ترکیبات را نوعی تلاش برای انتقال مفاهیم به گونه‌ای مختصر و اقتصادی‌تر دانست. زبان پیوسته در حال گذر از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر است و پر واضح است که در این سیر تکاملی نیازمند به ساخت واژگان جدید است. ترکیب که یکی از سه شیوه‌ی واژه‌سازی است زبان را قادر به انجام این مهم می‌سازد و بدین ترتیب توانایی زیای زبان را افزایش می‌دهد و این قابلیت زبانی را به مرحله‌ی فعلیت می‌رساند.

در زبان‌های ایرانی کلمه به سه صورت ساخته می‌شود: ساده، مشتق و مرکب. ساده یا بسیط به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که تنها از یک تکواژ قاموسی ساخته شده باشد، مانند واژه «دوست». واژه مشتق با افزوده شدن پسوند یا پیشوند و یا هر دو به تکواژهای قاموسی زبان ساخته می‌شود. همچون واژه «دوستی» که با پسوند «-ی» از اسم «دوست» ساخته شده‌است. مراد از مرکب واژه‌ای است که از به هم پیوستن دو یا چند تکواژ قاموسی به وجود آمده باشد و از پیوند این تکواژها کلمه‌ای تازه با مفهومی مستقل و جدید حاصل شود. سازه‌های ترکیب خود می‌توانند واژه‌ای ساده، مشتق و یا مرکب باشند. رکن اصلی در مرکب دانستن یک واژه، وجود اجزاء مجزای زبان در آن است که به صورت مستقل در جملات قابل استفاده باشند. به عنوان مثال در واژه مرکب «پاک‌دین» هر دو سازه علاوه بر این که با به هم پیوستن در این ترکیب واژه‌ای جدید با مفهومی بدیع ساخته‌اند، هر یک به تنهایی نیز یک واژه محسوب می‌شوند، حال آن که در واژه‌ای دیگر همچون «پاکی» تنها جزء «پاک» واژه‌ای مستقل است و پسوند «-ی» تنها در کنار دیگر واژگان، معنا و مفهوم می‌یابد. استقلال و مجزا بودن اجزاء ترکیب به سه صورت «آوایی»، «تفکیک‌ناپذیری» و «غیرنحوی بودن»

خود را نشان می‌دهد که به موجب این ویژگی‌ها، این گروه واژگان به صورت موجودیتی تام در جملات زبان شناخته می‌شوند. مراد از مستقل بودن واژه مرکب به لحاظ آوایی این است که کلمات از این دست همچون کلمات ساده دارای یک تکیه هستند که بر روی هجای پایانی واقع می‌شود و بین اجزاء ترکیب به هنگام تلفظ مکثی وجود ندارد. این ویژگی گاه در تشخیص کلمات مرکب از عبارتهای زبانی بسیار راهگشا است. یکی دیگر از ویژگی‌های واژگان مرکب این است که اجزاء آنها قابل جداسازی نیستند. این بدین معناست که با حذف یکی از سازه‌ها و یا با افزوده شدن جزئی بین سازه‌های واژه مرکب، معنا و ساختار آن در هم می‌ریزد. به عنوان مثال در ترکیبی همچون «روشن‌دل» با اضافه شدن کسره اضافه و یا نشانه جمع «ها» به سازه اول، واژه مرکب تبدیل به «روشن‌دل» و «روشن‌های دل» می‌گردد. پیداست که مفهوم و ساختار اصلی ترکیب در هم می‌ریزد. حال آن که در «عبارت» افزودن جزئی مابین سازه‌ها چنین تغییر بنیادی را به وجود نمی‌آورد. در بیشتر موارد، اجزاء تشکیل دهنده ترکیب از ساخت نحوی جمله تبعیت نمی‌کنند و هریک از اجزاء به صورت جداگانه با دیگر اجزاء جمله‌ای که در آن به کار برده شده‌اند، وارد نقش دستوری نمی‌شوند. این ویژگی کلمات مرکب، محققین را بر آن داشته‌است که با توجه به این که واژگان مرکب بر اساس الگوی جملات زبان ساخته شده‌اند و یا این که نحو جمله در شکل‌گیری آنها نقشی نداشته‌است، در دسته‌بندی کلمات مرکب، این واژگان را در دو دسته کلی «نحوی» و «غیر نحوی» جای دهند. (Shaki, 1964: 13-16)

می‌دانیم که زبان دارای دو مقوله صرفی و نحوی است. در واقع ترکیبات در مرز بین صرف و نحو قرار گرفته‌اند. به لحاظ صرفی و وابسته‌پذیری از قوانینی که در مورد کلمات ساده و مشتق اعمال می‌شوند، تبعیت می‌کنند و به لحاظ نحوی و رابطه دستوری میان اجزاء سازنده، همانند عبارتهایی هستند که خلاصه شده‌اند. به عبارتی دیگر، ترکیبات همچون «عبارت» دارای اجزاء مستقل و بسیط هستند، لیکن در اکثر موارد

از ساختار نحوی و دستوری که در عبارت وجود دارد تبعیت نمی کنند. (Shaki. 1964: 12)

همانطور که اشاره شد، مقوله ترکیب چه به لحاظ ساخت واژگان جدید و چه به لحاظ دستوری، از مهمترین موارد بررسی های زبانی است. لیکن آن چه در کتاب های دستور زبان پهلوی و مقالات از این دست مشاهده می شود، نشان دهنده این است که چنان که باید به این مبحث مهم زبانی پرداخته نشده است. نویسندگان کتاب ها و مقالات دستور زبان پهلوی، نظیر نیبرگ، زوندرمان، راستارگویوا، شروو، ابوالقاسمی و... به صورت اجمالی و با اختصاص دادن صفحه ای چند از دستورنامه خویش به ترکیبات، به این مبحث گسترده زبانی پرداخته اند. در میان زبان های باستانی ایران، زبان اوستایی است که بیشترین توجه را به خود معطوف نموده است. شاید بتوان گفت که بررسی ترکیبات این زبان سرآغازی برای بررسی این مقوله در دیگر زبان های ایرانی همچون پهلوی و سغدی بوده است. جکسن^۱ در سال ۱۸۹۲ به دسته بندی ترکیبات اوستایی اقدام نمود. وی در این پژوهش از شیوه ویتنی^۲ (1879)، در کتاب دستور زبان سنسکریت، بهره جست. مطالعه دیگری نیز در همین زمینه توسط دوشن گیمن^۳ (1936) به صورت کتابی مستقل به پیروی از شیوه واکرناگل^۴ (1905)، انجام گرفت. با وجود استفاده ویتنی و واکرناگل از شیوه باستانی در دسته بندی ترکیبات زبان سنسکریت، تقسیمات ایشان گاه در کلیات و گاه در جزئیات تفاوت هایی دارند. بر این اساس جکسن به شرح زیر ترکیبات اوستایی را دسته بندی نموده است:

(۱) دوتایی^۵ (۲) تعیینی^۶ وابسته^۷ و وصفی^۸

-
- 1- Jackson
 - 2- Whitney
 - 3- Duchesne-Guillemin
 - 4- Wackernagel
 - 5- Copulative
 - 6- Determinative
 7. Dependent
 8. Descriptive

۳) ترکیبات صفتی^۹ {ملکی^{۱۰} - ترکیبات با جزء اول غالب^{۱۱}}

۴) ترکیبات دیگر {ترکیبات عددی^{۱۲} - ترکیبات قیدی^{۱۳} - ترکیبات سست^{۱۴}}

همانگونه که اشاره شد کلمات مرکب زبان پهلوی به صورت اجمالی و در قالب مقاله یا به عنوان بخشی مختصر در کتاب‌های دستور زبان پهلوی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. راستارگویا (۱۳۷۹: ۴۱-۵۱) در دسته‌بندی‌ای آشفته شانزده نوع ترکیب در زبان فارسی میانه تشخیص داده‌است. این دسته‌بندی که بر اساس اجزاء ترکیب و مقوله صرفی حاصل از با هم آبی اجزاء است، به دلیل پراکندگی دسته‌ها و گاه تکراری بودن آن‌ها و نیز عدم انسجام در دسته‌بندی چندان در بررسی ترکیبات راهگشا نیست. وی واژگان مرکب را در دو دسته کلی با توجه به هم‌جنس و یا غیر هم‌جنس بودن سازه‌های ترکیب، جای داده‌است. مختصری از این دسته‌بندی به شرح زیر است:

الف) ترکیباتی که از اجزاء هم‌جنس تشکیل شده‌اند:

۱) اسم + اسم: اسم

۲) اسم + اسم: صفت

ب) ترکیباتی که از اجزاء غیر هم‌جنس تشکیل می‌شوند. بدین معنی که معنی یکی از اجزاء مشروح، متمم و یا مکمل جزء دیگر است:

9- Secondary Adjective Compounds

10- Possessive

11- Adjective Compounds with governed final member

12- Numeral Compounds

13- Adverbial Compounds

14- Loose Compound Combinations

- (۱) اسم + اسم: اسم
- (۲) صفت + اسم: صفت / اسم
- (۳) اسم + صفت: صفت
- (۴) صفت مفعولی مختوم به -ag + اسم: صفت
- (۵) عدد + اسم: صفت
- (۶) ضمیر hamāg + اسم معنای مختوم به -īh: صفت
- (۷) ضمیر xwad/ harwisp + اسم مختوم به -īh: اسم / صفت
- (۸) اسم + مادهٔ مضارع: صفت / اسم با معنای اسم عامل
- (۹) صفت + مادهٔ ماضی همراه پسوند -īh: اسم
- (۱۰) اسم / صفت + اسم فاعل مختوم به -tar: صفت / صفت فاعلی
- (۱۱) اسم / صفت مختوم به -ag + مادهٔ مضارع همراه پسوند -īh: اسم مصدر
- (۱۲) اسم / صفت + اسم مصدر مختوم به -išn: صفت / اسم با معنای فاعلی
- (۱۳) ترکیباتی که با قیود hamē و abāz ساخته می‌شوند.
- (۱۴) ترکیباتی که از افزوده شدن حرف اضافهٔ az به قیودی همچون abar ساخته شده‌اند.

ابوالقاسمی (۱۳۸۱: ۳۳۴-۳۳۷) ترکیبات زبان پهلوی را در دو دستهٔ «آزاد» و «وابسته» جای داده‌است. در گروه کلمات مرکب «آزاد»، که به سه بخش تقسیم شده‌اند، ملاک دسته‌بندی وجود و یا عدم وجود حروف اضافهٔ ā و ud در بین دو جزء تشکیل‌دهندهٔ ترکیب است و در دستهٔ ترکیبات «پیوسته» که شامل پانزده زیرشاخه است، کلمات مرکب بر مبنای نوع اجزای ترکیب و مقولهٔ حاصل از با هم آیی اجزاء دسته‌بندی شده‌اند و به ارتباط میان اجزاء تشکیل‌دهنده اشاره‌ای نشده‌است. ترکیبات پیوسته به صورت زیر تقسیم بندی شده‌اند:

- (۱) اسم + اسم: اسم kār-nāmag
- (۲) اسم + اسم: صفت xwar-čašm
- (۳) صفت + اسم: اسم purr-māh
- (۴) صفت + اسم: صفت nēk-gōhr
- (۵) اسم + صفت فاعلی: صفت فاعلی nām-burdār
- (۶) اسم + صفت مفعولی گذشته: صفت فاعلی / مفعولی گذشته panāh-griftag
- (۷) مادهٔ ماضی + اسم: صفت فاعلی / مفعولی گذشته burd-išnōhr

- (۸) اسم + مادهٔ مضارع: اسم rist-āxēz
 (۹) اسم + مادهٔ مضارع: صفت فاعلی مضارع rāh-nimāy
 (۱۰) اسم + مادهٔ مضارع: صفت مفعولی گذشته dast-gīr
 (۱۱) قید + مادهٔ ماضی: صفت مفعولی گذشته xūb-āmōxt
 (۱۲) قید + اسم: اسم pēš-gāh
 (۱۳) قید + اسم: صفت pēš-dād
 (۱۴) قید + صفت: صفت pēš-raftār
 (۱۵) ضمیر مشترک + اسم: صفت xwad-rōšn

شروو (2010: 263) شروو ترکیبات را به دو دستهٔ اسم و صفت تقسیم کرده است. در دستهٔ اسم، دو گروه (اسم + اسم kār-nāmag) و (اسم + اسم مشتق از فعل uzdēs-parist) را جای داده است و دستهٔ صفت را به پنج بخش زیر تقسیم نموده است:

- (۱) صفت + اسم rāst-gōwišn
 (۲) اسم + اسم drō-dādwar
 (۳) اسم + اسم مشتق از فعل gyān-abespār
 (۴) اسم + صفت ohrmazd-dād
 (۵) عدد + اسم pānzdah-sālag

یکی از مشکلاتی که در بررسی ترکیبات زبان پهلوی وجود دارد، تعیین نوع ترکیباتی است که مختوم به پسوند اسم معنا ساز -īh هستند. مکنزی (1990: 124-130) در مقاله‌ای به بررسی این نوع ترکیبات پرداخته است. به عنوان مثال تشخیص این که ترکیب tan-drustīh اسم معنایی است که از روی ترکیب ملکی tan-drust «دارای تن سالم، تن درست» ساخته شده است و یا جزء دوم ترکیب خود اسم معنا است (ترکیب وابسته «سلامتِ تن»)، به سهولت امکان پذیر نیست. چه در زبان پهلوی هر دو واژهٔ drust و drustīh به کار برده می‌شوند. چنین ابهامی بیشتر در ترکیباتی دیده می‌شود که جزء دوم آن‌ها اسامی مصدر و عامل هستند و ترکیب مختوم به پسوند -īh می‌باشد. در این ترکیبات به قطعیت نمی‌توان گفت که پسوند -īh جزئی

از سازهٔ دوم ترکیب است و یا این که از کل ترکیب مورد نظر اسم معنا ساخته است. مکنزی معتقد است که افزوده شدن پسوند *-īh* به چنین ترکیباتی به ویژه در مواردی همچون *bun-dahišnīh* که بدون وجود این پسوند نیز نوع ترکیب و معنای آن به وضوح مشخص است، نوعی سبک نگارشی است که توسط زندنویسان رواج یافته است. مترجمین اوستا به عنوان مثال در برابر واژهٔ اوستایی *āfrī-vačah* «آفرین گفتن» واژهٔ *āfrīn-* *gōwišnīh* را اختیار کرده اند و این سبک نگارشی به مرور در متون پهلوی کاربردی گسترده پیدا کرده است. نگارنده در مواجهه با چنین ترکیباتی به مدد ترکیبات مشابه و با در نظر گرفتن ترکیب مورد بحث در جمله به تعیین نوع ترکیب پرداخته است. در مورد برخی ترکیبات همچون *rōšn-menišnīh* وجود ترکیباتی چون *bowandag-menišn* روشنگر نوع ترکیب بوده است. به عبارتی دیگر با توجه به این که در ترکیب *bowandag-menišn* «کامل اندیش، دارای اندیشهٔ کامل» جزء دوم اسم مصدر است، می توان به قیاس در ترکیب *rōšn-menišnīh* نیز، پسوند *-īh* را الحاقی به کل ترکیب دانست و بنابراین آن را «ملکی» به معنی «روشن اندیش، دارای اندیشهٔ روشن» قلمداد نمود.

آنچه گذشت، پیشینهٔ مطالعات صورت گرفته در زمینهٔ ترکیبات زبان پهلوی بود. همانطور که پیشتر اشاره شد، بررسی های انجام شده در این زمینه، با توجه به تنوع و کثرت کاربرد ترکیبات در متون فارسی میانهٔ زرتشتی چنان که باید، کافی نمی نماید و تاکنون پژوهشی جامع در این مورد انجام نشده است و آن چه در دست است منابعی است که در آنها به صورت اجمالی به این مبحث گسترده پرداخته شده است. لذا بررسی دقیق ترکیبات زبان پهلوی و ارائه تحلیلی صحیح از آنها ضروری می نماید.

شیوه ای که در دسته بندی ترکیبات این رساله به کار گرفته شده است، شیوهٔ دسته بندی سنتی است. دلیل گزینش این روش آن است که در این دسته بندی، ترکیبات براساس نوع اجزاء، رابطهٔ میان آنها و مقولهٔ

صرفی حاصل از به هم پیوستن سازه‌های ترکیب، در دسته‌هایی مجزا گنجانده شده‌اند که گویای انواع ترکیبات است. در رساله پیش رو هرچند رابطه میان سازه‌های کلمات مرکب، راهگشای تعیین نوع ترکیبات بوده‌است، لیکن این مقوله به صورت جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته‌است. به عبارتی دیگر، بیشتر به نوع اجزاء و نوع کلمه مرکب پرداخته شده‌است. رابطه‌ای که میان سازه‌های ترکیب برقرار است در دسته‌بندی کهن به صورت‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. به عنوان مثال در گروه ترکیبات تعیینی وابسته که جزء دوم آن‌ها «اسم» یا «صفت» است، این رابطه به شرح زیر است:

(۱) اضافی (۲) مفعولی (۳) مفعولی له (۴) مفعولی عنه (۵) مفعولی فیه (۶) مفعولی معه

و بر این اساس هر یک از ترکیبات این دسته در یکی از زیرشاخه‌های فوق جای می‌گیرند.

تقریباً در هیچ یک از روش‌هایی که پیشتر بدان‌ها اشاره شد، چنین یکپارچگی و انسجامی به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال در بررسی ترکیبات زبان پهلوی دسته‌بندی‌ها براساس اجزاء ترکیب بوده‌است و واژگان در چارچوبی مجزا که گویای نوع ترکیب باشد، قرار نمی‌گیرند. لذا این نوع دسته‌بندی‌ها از نظم لازم جهت پرداختن به مقوله کلمات مرکب برخوردار نیستند. لیکن با وجود برتری که دسته‌بندی کهن نسبت به دیگر روش‌های تقسیم کلمات مرکب دارد و در دسته‌بندی ترکیبات زبان‌های دوره میانه نیز کاربرد دارد، تعیین نوع این واژگان گاه به سهولت ممکن نیست.

بنابر توضیحی که در باب شیوه کهن دسته‌بندی ترکیبات ارائه شد، کلمات مرکب در این رساله در هفت

فصل گنجانده شده‌اند:

(۱) ترکیبات ملکی (۲) ترکیبات تعیینی (۳) ترکیبات با جزء اول غالب (۴) ترکیبات دوتایی (مزدوج) (۵)

ترکیبات نحوی (۶) ترکیبات بازمانده از کلمات مرکب باستانی (۷) ترکیبات مشکوک

در بررسی حاضر شیوه پژوهش بدین ترتیب بوده است که نخست ترکیبات اسمی از دو متن «دادستان مینوی خرد» و «گزیده‌های زادسپرم» استخراج گردیده‌اند. منبع اصلی در مورد «گزیده‌های زادسپرم» اثر ژینیو- تفضلی (1993) و در مورد «دادستان مینوی خرد»، متن پهلوی انکلساریا (1913) بوده است. با وجود واژه‌نامه‌هایی که از این دو اثر در دست است، نگارنده اقدام به بازخوانی متون و استخراج کلمات مرکب نموده است و این بازخوانی منجر به یافتن تعدادی واژه مرکب شد که در واژه‌نامه‌های مذکور، به‌ویژه واژه‌نامه مینوی خرد، ثبت نشده بودند. پس از استخراج واژگان، اجزاء هر ترکیب به لحاظ معنایی و اشتقاقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این قسمت بیشتر توجه به صورت‌های باستانی (اوستایی، فارسی باستان، سنسکریت) و سغدی بوده است. سپس بر اساس دسته‌بندی سنتی، ترکیبات در دسته‌هایی گنجانده شده‌اند که هر یک از فصول این رساله بیانگر یکی از دسته‌های مذکور است. دسته‌بندی ترکیبات در هر فصل بر اساس اجزاء تشکیل دهنده آن‌ها می‌باشد. کلمات مرکب در هر دسته، بر مبنای ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند. چنانچه جزئی از یک ترکیب با جزئی از ترکیبی دیگر همسان بوده، از تکرار توضیحات پرهیز شده است و یکی به دیگری ارجاع داده شده است. برای آن که دسترسی به ترکیب مورد ارجاع امکانپذیر شود، در پایان رساله نمایه‌ای گنجانده شده است. عدد سمت چپ در نمایه مبین فصل مورد نظر و عدد یا اعداد سمت راست، مبین دسته‌ای است که ترکیب مورد بحث در آن جای گرفته است. در پایان هر مدخل، شاهد یا شواهدی از متون آورده شده است چرا که تعیین نوع ترکیب جز با در نظر گرفتن آن در نحو جمله امکان‌پذیر نیست. در امر ترجمه و آوانویسی تلاش شده است تا با یاری گرفتن از ترجمه گزیده‌های زادسپرم (ژینیو- تفضلی ۱۹۹۳؛ راشد محصل ۱۳۸۵) و دادستان مینوی خرد (تفضلی ۱۳۸۵) ترجمه‌ای جدید از جملات ارائه گردد. در بخش «یادداشت» به اختلافاتی که در ترجمه وجود دارد، اشاره شده است که بیشتر شامل مواردی است که نگارنده

ترجمه‌ای متفاوت از ترجمه محققین پیشین ارائه نموده‌است.

ترکییات ملکی